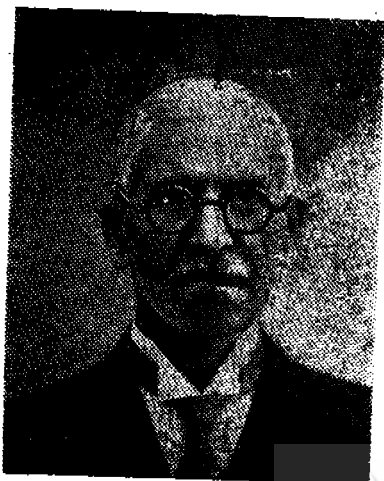


بقلم - نصرالله نیک بین

## در رثاء مرحوم قزوینی



هموطنان عزیز یکی از برتر کترین شخصیت های علمی و ادبی ایران که مدت چهار و چهار سال از عمر عزیز خود را در کتابخانه های مهم اروپا برای مطالعه و تحقیق و نگارش هزاران صفحات پرمغز و دقیقی درباره علوم و ادبیات ایران و اسلام اختصاص داده و در حقیقت مظهر افتخار ایران در قرن اخیر می باشد سال قبل بوطن خود باز گشت و در گوشه می از نقاط شمال غربی تهران مسکن گزید این شخصیت عالی همان دانشمند بزرگوار است که نگارنده بمناسبت آغاز هفتاد و سومین سال ولادتش مختصری از خدمات ویرا در شماره ۱۵ این مجله در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی یاد نمود و تا حدی مقام او را جسته را در جهان دانش و ادبیات معرفی کرد

در مدت اقامت اخیرش هم در تهران دقیقه می از برای نشست و در تعقیب کارهای گذشته خویش به تصحیح و تحشیه و در حقیقت احیای کتب نامدار ادبی ما پرداخت . اما رنجها و مشقات فراوانی که در مدت متجاوز از پنجاه سال اشتغال بکارهای فرهنگی ویرا خسته و ناتوان ساخته بود آثارش در سه ساله اخیر در وجودش ظاهر و هویدا گردید و آن بیکر نحیف را که در منتهای پیری میزیست و رنجور و در بستر بیماری انداخت همت بیماری را در بیجا از نیروی او میکاست و قوای جسمانیش را روز بروز رو بتخلیل میبرد . تا جائیکه درمان پزشکان در او فایده نبخشید و اثر دارو هادر مراجش سودمند نیفتاده سرانجام پس از چند ماه ناخوشی زندگی را بدرود گفت و در ساعت ده بعد از ظهر روز جمعه ششم خرداد ۱۳۲۸ هجری شمسی مطابق با ۲۸ رجب المرجب ۱۳۶۸ هجری قمری در سن هفتاد و پنج سالگی چشم از جهان فرو پوشیده و دنیای علم و ادب را به پیران ابدی خود دچار ساخت .

فوت او برای ادبیات ایران و علوم اسلامی جبران ناپذیر می باشد و نگارنده بسهم خود از این ضایعه بزرگ زاید الوصف <sup>نمیشم</sup> و این مصیبت عظمی را بیگانگان محترمش و جمیع دانشمندان و فرهنگیان ایران تسلیت میگویند؛ و از خداوند منان مسئلت مینمایم که آن فقید سعید را غریق رحمت فرماید .

علامه قزوینی در گذشت و مصیبتی برای کسانی که از نزدیک و دور با او آشنا می بودند و گذشته از علوم مقام علمی و ادبی ویرا واجد آن همه صفات حمیده و اخلاق پسندیده میدیدند بسی بزرگ می باشد .

۱ - مرحوم علامه قزوینی در تاریخ وفات هفتاد و چهار سال و سه ماه و هجده روز از عمر شریفش میگذشته است .

## در رثاء مرحوم قزوینی

شما خوانندگان این سطور اگر بصفت شخصیت شریف این مظهر منویت و اخلاق و علم و فضیلت متوجه میشدید هر آینه می فهمیدید که چگونه پادر گذشت وی یکی از شجرهای مشرق کهنسال باغستان علوم و ادبیات ایران و اسلام ریشه کن گردیده و حال آنکه حتی در منتهای پیری و سالخوردگی میوه های شاداب و رنگارنگی در شاخسار وجود خود میپروراند. و آنوقت بود که از شدت تاثیر قلبتان مجروح میشد و تسلیات اشخاص در درمان جراحت آن اثری نمیبخشید گویی چشمان او در عالم اشباح باز است و هنوز بفرزندان حساس و تشنه علم و معرفت این آتش و خاک میسپرد و امید آن دارد که دنبال کارهای فرهنگی او را بگیرند و در راه ترویج معارف و رونق مکتب ابدای او مانند خودش از بدل و جان و عمر مضایقه نمایند.

اگر بگویم که این وجود شریف تمام خصال حمیده را در خود جمع نموده بود. مبالغه نکرده ام و چنانچه بگویم که در ردیف دانشمندان و محققین و صاحب نظران طراز اول این کشور در قرن اخیر قرار داشت ا عراق نگفتم. زیرا با جمع کردن کمالات و فضائل بسیاری در وجود خود، غویشتن را بمنزله رفیع ارتقاء داده و توجه او باب معرفت را به خود جلب نمود، بطوریکه همگی در مقابل شخصیت علمی و ادبی و اخلاقی او سر تعظیم فرود آوردند.

از سست معاش محروم بود و صدمات و مشقات و ناملازمات زندگی را بیوسته تحمل میکرد چنانکه اخیراً با وجود کسالت شدید و احتیاج مبرمی که باسراحت در نقاط خوش آب و هوا داشت از نظر عدم وسائل در گرمای شدید تابستان در خانه شهری بسر میبرد؛ و عزت نفس و قناعت را شمار و پیشه خود ساخته بود.

سناحت طبع و علم و همت و حافظه عجیب و فهم و درایت و سرعت انتقال از خصال بارز او بود که در نتیجه وجود او را بسی بزرگوار جلوه میداده و برخلاف کسانی که در بدل علم بغل میوزند از ترویج دانش فروگذار نمیگرد و فضایی را که با علوم اسلامی سروکار داشتند از منبع فیاض وجود خود بهره مند میساخت.

سؤالات اشخاص در اسرع وقت جواب میداد و در صورتی که مطالب استثنائی عمیق میبود خواهد علمی و تفصیلی ذکر می نمود بطوریکه هر يك از این قبیل نامه های بمنزله دستور قاطعی است که روش تحقیق و نگارش و تشیع را میآموزد؛ و در حقیقت بمنزله چراغ بر نوری است که باید در راه دشوار نویسنده کی مورد استفاده قرار داد، زیرا سراپا حاوی مطالب دقیقی بود و از طرفی درباره دقت و وسعت آن شکی را نتوان یافت. وی ابتدا بظن خود عمل نمیکرد و در تحقیقات خویش جز با استدلال پای بند چیز دیگری نبود از اینرو نوشته های وی از سهو و خطا مصون میبود.

در هر موضوعی که بتحقیق میرداخت با کنجکاوی و استقصای در کتب حق مطلب را ادا میکرد و نکته های باقی نمیگذارد و از طرفی بپذیرستی تحقیقات خود علاقه و افری داشت و هیچگاه تحت تاثیر احساسات شخصی قرار نمیگرفت.

در اظهار عقیده صراحت مخصوصی داشت و در همین حال بدون کنجکاوی و حصول اطمینان مطلبی را انشاء نمیکرد.

این دانشمند بزرگ تواضع و فروتنی را شمار خود ساخته بود و آنچه معلومات شخصی را بضاعت مزجاة مینداهد از اظهار بدانش فرسنگها دور بود و جز در مواردیکه استثنائی از او میشد سخنی نمیگفت.

هر کس در برابر او قراومیکرفت خوبتر را در مقابل او قیافوس عظیمی از معارف مختلفه میدید که انواع بلند علوم در سراسر وجودش در حرکت میبود و همینکه لب سخن میگشود آفتاب احاطه فراوانش در موضوع مورد گفتگو پدیدار میگردد . قزوینی طالب شهوت و جاه و مقام دنیوی نبود آنچه بتصور بیاید گرد این کارها که بقیده من باز بیهی در صحنه زندگی پیش نیست نمیگردید .

دقایق عمر را بترویج علوم و فنون اختصاص داد و در اینکار با افراد این کشور درسهای علمی تعلیم داد - علاقه مندی شدید آن مرحوم بتحقیق و مطالعه طبق اصول علمی *Méthode scientifique* بدرجه می میبود که حتی از ساعات استراحت شبانه خود بدان اختصاص میداد و تا نیمه شب در کتابخانه (۱) گرانباهش بدان اشتغال داشت ، بطوریکه تا سه روز قبل از موت کتاب از دستش نیفتاد

در نتیجه معاشرت با تعداد بسیاری از محققین و استادان بزرگ و مستشرقین اروپایی و آشنائی به روش تحقیق و تتبع آنان و گذراندن قسمت اعظم عمر در جوار خزان علم و ادب دنیای جنیدن و اشتغال به یک سلسله تحقیقات دامنه دار عین در کتابهای پیشینیان بالمال در تحقیق و تتبع سبک جدیدی ایجاد نمود که از میزبان آن دقت و صحت و امانت و موشکافی و حقیقت جوئی و روشن ساختن معضلات علمی و ادبی طبق سند علمی میباشد .

البته نمیخواهم بگویم که این شیوه سابقاً مورد توجه نبوده بلکه میخواهم یادآوری کنم که کمتر دانشمندی را در ایران سراغ میتوان کرد که شیوه تحقیق قدما امثال ابوریحان و ابوهلی سینا و رازی را باشیوه استادان پدید اروپائی باهم آمیخته و ابتکارات و تجربیات یک هر خود را هم بدان افزوده و با یک اصول علمی مطالعات و تحقیقات خود را ادامه داده باشد .

از عوامل مهمی که در پیشرفت و ترقی منوی مرحوم قزوینی مؤثر بود همانا استعداد شکفت انگیزی بود که خداوند متعال بدو عنایت فرموده بود و خوشا بحالش که آفریدگار او را لایق استعداد دانست و وجودش را با اعطاء این موهبت عظمی بسی بزرگوار ساخت ، زیرا در قرآن بدین معنی اشاره فرمود و چنین گفت : ( کسی را که شایسته ببیند استعداد و نبوغ بگشد و یاجنین موهبت عظمی لطف و عنایت خود را در بارش بنهائی رساند و این حقیقت عالی را جز خردمندان درک نمیکنند .

دیگر از عواملی که در ترقیات او تاثیر داشت تماس او با دانشمندان بزرگی نظیر پروفیسور براون بود (۲) که معاشرت این مرد بزرگ در وجودش بمنزله کاتالیزری عمل کرد و فوق او را تحریک نموده چه این دانشمند انگلیسی گذشته از واجد بودن صفات ملکوتی ، ایران دوست هم میبود و در راه تامین استقلال ایران در جنگ بین المللی اول دقیقه می از پای نشست و حتی بهای دولت متبوعه خود در افتاد .

بایرانیان کمکهای وافری کرد و از جمله در تهیه وسائل کار مرحوم قزوینی اقدام نمود ؛ کتاب و کتابخانه دردسترس او قرارداد ؛ از او حمایت کرد ، در راهنمایی او فروگذار نکرد ؛ مقالات تحقیقی وی را راجع به مسعود سعد سلمان بزبان انگلیسی ترجمه و نشر داد و تازمانی

۱ - فهرست کتب مرحوم علامه قزوینی بالغ بر چهار مجلد بوده است .

۲ - یوتی الحکمه من یشاء ، ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و ما یدکر الا اولوالالباب .

که ریاست اوقات کیپر را داشت علامه قزوینی هم با او کار میکرد و تصحیح و تشبیه و چاپ چندین کتاب ادبی و تاریخی جرجی از جمله تاریخ جهانگشای جوینی نتیجه زحمات مرحوم قزوینی در مدت معاشرت با براون بوده است. البته عوامل دیگری هم در پیشرفت آثار مرحوم دخالت داشتند که شرح و تفصیلش در اینجا بطول میانجامد این است که فقط بذکر دو عامل مزبور اکتفا کردید.

علامه قزوینی بنابه کانونی بود که علماء و دانشمندان دنیا که باحوال او آشنا بوده و با ادبیات و علوم اسلامی سروکار داشتند او را بمنزله چراغ راهنمایی خود میدیدند. زیرا در قرن حاضر بندرت دیده شده که دانشمندی نظیر وی گذشته از صرف و نحو، فقه و اصول کلام و حکمت، ادبیات فارسی و ادبیات عرب از حیث، نظم و نثر، تفسیر قرآن، رجال شناسی کتاب شناسی، علم اخبار و سیر، تاریخ ایران، تاریخ اسلام، عروض و قافیه، معانی بیان، بدیع حساب و هندسه طب قدیم، هیئت، نجوم، بزبانهای (۱) فرانسه و آلمانی و انگلیسی و سریانی نیز آشنائی کامل داشته باشد و فی الواقع حق با همان اشخاصی بود که از کشورهای آلمان و فرانسه و انگلستان و افغانستان و هندوستان و مصر با او مکاتبه میکردند و در باره مضلات و مشکلات علوم اسلامی و ادبیات از او استفتاء میکردند و مرجع مسلم این رشته اش میدانستند.

در نقد النثر و نقد الشعر فارسی و عربی بد طولانی داشت و از میان بزرگان علم و ادب ایران به حافظ و مولوی و سعدی علاقه فراوانی داشت.

مطالعه نوشته های انتقادی این دانشمند نقاد بی اختیار ما را بیاد نقادان بزرگ اروپا امثال تن، ولتر و آگوستن تیری و گیزو فرانسوی و فنون را نکه آلمانی میاندازد. بباره آخری اگر آب و خاک اروپا منقدینی نظیر مشارالیه را پرورانده، ایران عزیز ما هم دانشمند نقادی نظیر مرحوم علامه قزوینی را بار آورده و موجبات بسی افتخار و مباهات ایرانیان را از این حیث فراهم ساخته است.

نگارنده بر اثر علاقه شایانی که با ادبیات عمومی دارم با کتابهای محققین و خاورشناسان قرن اخیر امثال نلدکه و کارل بروکلمان آلمانی و نیکلسن انگلیسی سروکار داشته و بسلیقه آنان در سبک تحقیق تاحدی آشنا میباشم و با اینکه مشارالیه از دانشمندان طراز اول یکصد سال اخیر اروپا بوده اند من ذلك در بعضی از موارد بقدری تحقیقات آنها را سطحی دیده ام که تصور میکنم شایسته مقام ارجسته علمیشان نباشد و تنها چیزی که مایه اقتناع نگارنده در این مورد گذشته این است که خیال میکنم شاید منابع و مواد لازم برای تحقیق دردسترشان نبوده باشد، و حال آنکه تحقیقات علامه قزوینی هاری از این نقیمه بوده و در مورد آنچه از او سؤال شده و یا خودش شخصاً خواسته اظهار نظر نماید چنان دامنه تحقیقات را وسیع گرفته در عین حال بقدری در مطلب دقیق شده که درست نقطه مقابل بعضی از تحقیقات مستشرقین مزبور قرارداد. و بدون هیچگونه شک و تردیدی باید بگویم هیچ کتابی نبوده که در موضوع مورد نظر وی سطری

(۱) - زبان فرانسه را قبل از مسافرت اروپا در مدرسه سن لومی در تهران آموخته بود و در صرف و نحو فرانسه اطلاعات وسیعی داشت. زبانهای آلمانی و انگلیسی و سریانی را در اروپا آموخت.

در آت نوشته شده باشد و ایشان مطالعه نکرده باشند . ملاحظه گاه صفحات ۲۴ و ۲۱۰ کتاب تاریخ ادبیات عرب در *Geschichte der arabischen-Literatur* نگارش کارل بروکلمان آلمانی را مطالعه کنید خواهید دید که در فصول مربوط به امره و القیس اشعرشمرای عرب و ابن خلدون فیلسوف اجتماعی اسلام مجبوعا بیش از سه صفحه نوشته و تحقیقاتش کاملا سطحی است و حال آنکه نویسنده تاریخ ادبیات عرب بایستی در مورد امر و القیس گذشته از بیوگرافی و اشعار لا اقل بطور اجمال از سبک شعری و کیفیت و چگونگی منظومه ها و اشعار منسوب بدو سخن راند و نیز در مورد ابن خلدون پس از نگارش شرح حال مختصری هم از کیفیت و سبک تالیف تاریخ عمومی وی و مقام او در علم الاجتماع گفتگو نماید نه اینکه به بیان اجمالی از شرح احوالشان اکتفا نماید .

و یاهر گاه کتاب تاریخ ادبیات عربی (*Literary History of the Arabs*) نگارش پرفسور نیکلسن انگلیسی را مورد مطالعه قرار دهید مشاهده خواهید کرد که مثلا در صفحه ۱۴۳ که درباره قرآن بحث مینماید بطوری شیوه اختصار پیش گرفته که گویی موضوع قرآن را بست ترین موضوعات ادبیات عربی پنداشته است و حال آنکه قرآن از مهمترین موضوعات ادبیات عرب بوده و نویسنده تاریخ ادبیات عرب باید از لحاظ سبک و اسلوب و جنبه فصاحت و بلاغت و حتی تأثیر قرآن در ادبیات عرب بحث کند و دامنه سخن را هم بسط دهد ولی برعکس تحقیقات مرحوم علامه قزوینی این طور نیست و من باب مثال اگر مقدمه هائی که بر کتاب تاریخ جهانکشیای جوینی و مرزبان نامه و یا تفسیر شیخ ابوالفتح رازی نوشته مطالعه نمایید خواهید دید که بقدری دقت و استقصا و حتی امان نظر بخرج داده که بهتر از آت نمیتوان نوشت .

مرحوم قزوینی دارای روحی حساس بود و در برابر اظهارات اشخاص بدون استدلال تسلیم نمی شد این بود که فقط کسانی در محضر او صحبت میکردند حقیقه صاحب دانش و فضیلت بوده و در اینراه زحمات فراوانی کشیده بودند .

مرحوم قزوینی بایران عزیز علاقه فراوانی داشت و همواره آرزو میکرد که روزی بیاید که ایرانی هم در زمره ملل متدنه نه عرض اندام نماید وی شروع اصلاحات را از ترویج معارف و باسواد کردن مردم میدانست . و خویشتن هم بهم خود یک هم در اینراه کوشش کرد و درس علمی داد . در موقیقه روسیه تزاری در جنگ بین الللی اول خاک ایران را مورد تجاوزات خود قرار داده بود و تعداد زیادی از رجال کشور از جمله ثقة الاسلام را در تبریز اعدام کرد مرحوم قزوینی بنام دفاع از حقوق ایران و ایرانیان در جمعیت وطنپرستان ایرانی که در آنوقت بصویت بزرگوارانی امثال آقایان تقی زاده و پور داود و اشرفزاده و کاظم زاده ایرانشهر در پیاریس تشکیل یافته بود داخل شد و فعالیت آغاز کرد و مقالاتی در مجله عالم اسلام فرانسه با مضامین جمعیت منتشر ساخت و پس از چندی که جمعیت مزبور به آلمان رخت بر بست و در اینجا تحت نظر جناب آقای تقی زاده مجله می بنام کاوه منتشر گردید و در آن نیز مقالاتی درباره ایران می نگاشت :

مجله مزبور بقدری پرمغز و حواری مطالب عمیق و گرانبهائی در موضوع ترویج علم و دانش و اخلاق و اصلاحات اجتماعی میبود که بلا تردید در ردیف مهمترین مجلات آروز دنیا

## دورنما مرحوم قزوینی

فرار داشت. زیرا تمام آنهایی که مقالاتی در آن می‌نوشتند از زبده‌ترین و خالصترین و روشن‌شکرترین مردمان این کشور می‌بودند و بر هر ایرانی علاقه مند با صلاحات واجب است که آن مقالات را مورد توجه دقیق قرار دهد تا او را در شاهرآه زندگی اجتماعی روشن و بصیر گرداند. ضمناً از بیان این مطلب ناگزیر می‌باشد که گرچه قسمت اعظم از افراد فاضل و دانشمند کشور ما از نظر طول اقامت مرحوم قزوینی در اروپا از علوم مقام علمی و ادبی وی بی‌اطلاع مانده‌اند ولی بالعکس این امر بر معقین اروپائی که هم مشرب وی می‌باشند پوشیده نیست. و بدیهی است که عدم آشنائی کامل مردمان کشور ما با احوال این دانشمند جلیل‌القدر مانع بروز شخصیت علمی او در ایران نخواهد بود. زیرا دنیا هرگز خدمات و زحمات دانشندان جهان را فراموش نکرده است و اگرچه در میان قوم خود گمنام بوده‌اند مملکت دیر یازود استعدادهای را باز و آشکار ساخته است.

### اظهار نظر درباره ارزش کارهای علمی مرحوم علامه قزوینی

تمام خصائصی که درباره مرحوم علامه قزوینی ذکر کردم حقایقی است که از نظر معاصر بودن با این دانشمند بزرگوار و غرور در نوشته‌هایش برنگارنده معلوم و مسلم گردیده و در صحت آن ذره‌ئی تردید ندارم. اما از آنجائیکه تصمیم دارم در مورد رجال و دانشمندانی که درباره شرح احوال و خصائص و کارهای علمی و ادبی و شخصیت آن تحقیق می‌کنم با توجه به میاری که در دست دارم ارزش و فضیلت آنها را در جهان دانش مین نمایم و لذا در اینجا هم نیز مختصری بدین معنی اشاره می‌کنم.

مرحوم علامه قزوینی نظر ببلو مقام علمی و معنوی و شرم و ذوق تحقیق ادبی و احاطه فراوانش درباره بسیاری از علوم و فنون بلاشک یکی از دانشندان بزرگی است که قرن معاصر بوجود آورده است. اما باید فهمید که فضیلت ایشان نسبت بسایر دانشمندانی که مانند وی در بنای کاخ دانش موثر و ذی‌مدخل بوده‌اند تا چه حدود می‌باشد.

قبل از هر چیز باید در نظر داشت که دانشمندانی که با کاخ ناقص بدن دانش روبرو شده‌اند از سه طبقه خارج نیستند.

۱ - آنانکه فقط علم بجماری کاخ دانش را دارند ولی در تمام عمر خشتی بر بنای ناقص آن نمی‌نهند.

۲ - اشخاصی که گذشته از علم برجماری آن چند خشتی هم بر بنای نیمه تمام آن می‌نهند و بدینوسیله در تکمیل آن میکوشند.

۳ - کسانی که با علم بجماری کاخ دانش مشاهده میکنند که خشت‌های نخستینی که در پایه‌های این بنای عظیم بکار رفته در طی مرور دهور فرسوده شده و در شرف انهدام می‌باشد لذا نظر باینکه تخصص ترمیم آنرا در خور توانائی خود می‌بینند عمری بترمیم آنت ها می‌گذرانند.

در اینجا می‌خواهیم این نکته را بفهمیم که اولاً کدام يك از این دسته صاحب فضیلت جاوید اند و برتری هر يك بر دیگری تا چه حد است و آنکاه ببینیم این دانشمند نامی ایران در ردیف کدام يك از طبقات که در کاخ دانش فعالیت کرده‌اند مصوب میگردد.

۱ - دسته اول که عالم بجماری کاخ مزبور می‌باشند و در تکمیل بنای آن قدمی بر نمی‌نهند.

دارند عیناً نظیر همان مجسمه سازانی هستند که صرفاً عالم بدین فن بوده و شاہکارهایی از خود باقی نیکگذارند تا در نتیجه بد ما سلاک تشهیم درجه فضیلتشان بر سایر هنکارانشان گردد. و اشخاصی که مجمع کمالات و فضائل علمی و ادبی بوده و حتی جامع بسیاری از علوم و فنون میباشند ولی آثاری از خود باقی نیکگذارند که باآمال دردی از دردهای بامسره‌ادرمان نباید و یا مرهمی بر جراحات بدبختی آن بگذارد از همین دست محسوب میشوند. اینگونه از دانشمندان فضیلتشان بامرگشان از میان خواهد رخت زیرا علم و دانش مرد بامرگ او بزرگ خاک مدفون خواهد شد اما اگر اتری باقی بگذارد همواره میزان سنجش درجه فضیلتشان خواهد بود. چنانکه امروز هم پس از گذشتن قرنهای متضادی ارزش و مقام علمی و ادبی و فضیلت فنا ناپذیر امثال ارسطو - رازی - ابن سینا - کانت روسو و شاتو بریان، گوته، شیلر، سعدی و فردوسی را جز با مطالعه آثارشان بوسیله دیگری نمیتوان درک کرد. و هرگاه این شخصیت های بزرگ دنیا آثار پرمغزی از خود باقی نگذارده بودند هر آینه درک فضائل و علو مقام متنبشان برای ما امکان پذیر نبود بنابراین نتیجه چنین میشود که دسته اول پس از مرگشان درجهان دانش فضیلتی نخواهند داشت و حتی در طی مرور و دهور جامعه بشریت آنها را از یاد خواهد برد چه بسا دانشمندان و معقین بزرگ وجود داشته‌اند که از نظر داشتن اثر و یاز بین رفتن آثارشان بواسطه حوادث روزگار مجهول‌الهیوبه گردیده و یا امروز غیر مصروف بوده و دیگر برای بشر امکان ندارد که میزان معلومات و اطلاعات و فضایل آنها را دریابد.

۲ - دسته دوم دانشمندی هستند که بسهم خود در تکمیل بنای کاخ دانش فعالیت کرده‌اند و مثل آنان مثل نقاشانی است که بساختن تابلوها و شاہکارهایی مبادرت کرده و آثار گرانبایی از خود بیادگار گذارده‌اند که همانها معیار درک کیفیت کارهای آنها میباشد.

دانشمندی که مرئی جامعه بوده و افراد فاضل و لایقی بار میآورند و با تالیف و ترجمه و تحقیق، چراغ بر نوری از دانش و معرفت بدست افراد جامعه میدهند تا در جاده دهور زندگی راهنمایان باشد از دسته دوم محسوب و فضیلتشان جاویدان خواهد بود.

۳ - دسته سوم نظیر مصبارانی هستند که نقشه بنای جدیدی طرح نمیکنند بلکه مشاهده مینمایند که مثلا پایه‌های فلان بنا تاریخی مجلل باستانی در حریف اتهدام میباشد. اینست که هست خود را مصروف بر این میدانند که پایه‌های بنای مزبور را ترمیم نمایند. دانشمندی که عمری بتصحیح و نهضت کتبی که هنوز اهمیت و مزیت خود را بر سایر کتب درجهان دانش و ادب از دست نداده‌اند میپردازند از دسته سوم محسوب میشوند و عقیده مندم که فضیلت این دسته نیز پس از مرگشان مغفله جاویدان خواهد بود. مثلا وقتی که شما فلان کتاب درسی مورد احتیاج امروز مملکت ما را که فرضاً از دارو سازی و باادییات و باعلوم دینی بحث میکند و در نتیجه یک عمر تفکر و تحقیق و بذل جان و مال و جوانی صرف نظر کردن از آسایش و راحتی شبانه روزی بدست دانشمندان و شعرا و محققینی امثال محمد بن زکریای رازی و خواجه شمس‌الدین حافظ و علامه حلی نوشته شده مورد مطالعه قرار میدهد و در هر صفحه‌ی حداقل چهار پنج غلط‌املاتی و یا تعریفی بنظر تان میرسد که در نتیجه استنساخ های مکرر در طی فزون گذشته عارض گردیده و شما را که علاقه مند بدانها میباشد در راه تحصیل و مطالعه آن گونه کتب با اشکالات فراوانی مواجه میسازد آنوقت چقدر عصبانی خواهید شد! و در صورتی که دانشمند صلاحیت داری هر

## در رثاء مرحوم قزوینی

خود را صرف تصحیح اغلاط و تحشیه مطالب مهم و مفصل آن بنماید تاچه اندازه از او ستون خواهد شد؟ آیا اگر حقیقه علاقه مند به علم و فضیلت باشید مادام الامر تصحیلات خود را مرحوم و حیات او نتوانید دانست؟

آری اصل مرحوم علامه قزوینی مدت یکسره همین کار مهم و قابل ملاحظه بوده است که بجز کسانی که باین گونه کتب سروکار دارند اهمیت آنرا درک نتوانند کرد. این است که نگارنده برای آن مرحوم فضیلت بسیاری قائلم زیرا آندسته از کتبی که وی در مدت زندگی خود تصحیح و تحشیه نموده همانند از بهترین آثار ادبی زبان فارسی و پایه های اساسی آن میباشد که در شرف انهدام بوده است و مایه افتخار و مباهات است که استاد بزرگواری نظیر وی توانسته است حتی القدر در اینراه موفق و کامیاب گردد. باری گرچه مرحوم قزوینی از میان ما وخت برست و تسی نام او ابدالهدی زنده و جاویدان بود هر همواره فروغ خیال مثالیش در دل های حساس نشنه علم بر توافتکن خواهد بود.

او گرچه برقت نام نیکش در لوح جهان بود مظهر (۱)

از وظایف حتمی و مسلم مصادر امور فرهنگی و فرزندان لایق این کشور میباشد که دستگاه تربیت کننده امثال قزوینی را تقویت نمایند و از تشویق تربیت شدگان و بیوان مکتب او باز نشینند و در تهیه و سایر کار و مطبع و نشر آثارشان بکوشند تا روز بروز بر تعداد آنها افزوده گشته نتایجش عاید نسل آینده کشور گردد.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱ - جناب آقای جلال الدین همانی استاد دوره دکتری ادبیات در دانشگاه تهران منظومه ای در باره حادّه تاریخ مرحوم قزوینی سروده اند که بیت فوق الذکر یکی از ابیات آن میباشد.